

## بازخوانی مقاله «معلوم زدایی از علم باری تعالی»

محمد بیابانی اسکویی [1] ×

چکیده: این مقاله، پاسخی بر مقاله «معلوم زدایی از علم باری تعالی» است که محمدرضا ارشادی نیا بر مقاله پیشین نگارنده در زمینه علم بلا معلوم نوشته است. نگارنده، توضیحاتی در مورد علم حصولی و رابطه علم با عالم و معلوم، همراه با دیدگاه شماری از فیلسوفان مانند سید محمد حسین طباطبایی، مرتضی مطهری آورده است.

کلیدواژه‌ها: ارشادی نیا، محمدرضا؛ علم حصولی؛ علم حضوری؛ رابطه علم با معلوم؛ طباطبایی، سید محمدحسین؛ مطهری، مرتضی.

### مقدمه

با تقدیر و تشکر از مسئولان محترم مجله وزین سفینه به عرض می‌رساند:

در شمار 39 مجله، مقاله‌ای از این جانب با عنوان «نگاهی گذرا بر علم بلا معلوم در احادیث امام رضا 7» منتشر گردید. بعد از آن در شمار 48 مقاله‌ای با عنوان «معلوم زدایی از علم باری تعالی» به عنوان نقد بر مقاله اینجانب چاپ گردید. مخاطب با نگاهی گذرا بر این مقاله می‌بیند هم این مقاله پرسش‌هایی است که ناقد بزرگوار، از نویسنده طرح کرده تا مطالب آن را به چالش بکشد. در حقیقت ناقد به جای اینکه اشکالات محتوایی مقاله را به مخاطبان دانشور مجله عرضه کند، به طرح پرسش‌هایی پرداخته و به هیچکدام پاسخ صحیح نداده است تا با توجه به آن، عدم فهم صحیح نویسنده را نسبت به سخنان فلاسفه، به خوانندگان محترم عرض داشته و به واسطه آن بر ارتقاء دانش مخاطبان و سطح علمی مجله بیافزاید.

بنده به عنوان یک نویسنده از چاپ این مقاله در این مجله شگفت‌زده شدم. به راستی، چگونه مقاله‌ای که هدف اصلی آن پرسشهایی از نویسنده است و هیچ ربطی به دانش افزایش مخاطبان مجله ندارد، چاپ می‌شود؟ امیدوارم مدیریت گرامی مجله بر این امر خویش دلیل خردمندانه‌ای داشته باشند که این امر را برای مخاطبانش توجیه کنند.

از آنجا که احتمال می‌رود خوانندگان این مقاله، از پرسش‌های ناقد از نویسنده اطلاعی نداشته باشند، اشاره‌ای اجمالی به برخی از آن پرسش‌ها می‌شود. سپس یک مطلب اساسی در ارتباط با موضوع مقاله، با توجه به پرسش‌ها توضیح داده می‌شود.

### خلاصه برخی پرسش‌ها

1. دانش فطری یعنی چه؟ 2. جدایی علم و معلوم، از نظر مفهوم یا مصداق چیست؟ 3. معلوم بالذات و معلوم بالمعرض چیست؟ 4. جدایی آنها حقیقی است یا اعتباری؟ 5. چه راهی برای بستن کلی راه نظریه رقیب وجود دارد؟ 6. آیا با ادعای فطری بودن مطلب می‌توان نظریه رقیب را مخدوش دانست؟ 7. مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی تغایر علم و معلوم چیست؟ 8. چه ملازمه عقلی و حقیقی بین تعلق علم به معلوم بالمعرض با وجود خارجی آن وجود دارد؟ 9. علم فعلی و انفعالی چیست؟ 10. علم امکانی یا علم وجودی چیست؟ 11. علم بدون ذات المضافه بودن چیست؟ 12. منظور از سبقت زمانی چیست؟ 13. منظور از پدیده‌ها چیست؟ مجرد یا مادی یا اعم از آن؟ 14. مبانی تعلق علم به معدوم چیست؟ 15. معدوم مطلق و مضاف چیست؟ 16. آیا علم به ممتنعات هم تعلق می‌گیرد؟ 17. آیا علم الماهی می‌شود نامحدود و معلوم آن صفر باشد؟ 18. نویسنده حقیقت علم را از چه سنجی و بر اساس چه مبانی هستی‌شناختی استوار می‌داند؟ 19. حقیقت علم، وجودی است یا ماهوی؟ 20. بر فرض ماهوی بودن، از کدام مقولات ماهوی؟ 21. تنظیر حقیقت علم به نور، بدون تبیین حقیقت نور می‌تواند بیان‌گر حقیقت علم باشد؟

این 21 سؤال از صد و اندی پرسش است که ناقد از نویسنده برای به چالش کشیدن مقاله‌اش پرسیده است. به نظر می‌رسد ناقد محترم توجه ندارد که این مقاله، در مجله‌ای چاپ گردیده است که خوانندگان آن قطعاً با این اصطلاحات و الفاظ، اگر آشنایی کامل هم نداشته باشند، دست کم به اندازه‌ای که در فهم مقاله لازم باشد آشنا هستند و نیازی به پرسش برایشان دیده نمی‌شود. طبعاً اگر چنین مشکلی برایشان وجود می‌داشت، حداقل تعدادی از آنان به مانند ناقد محترم، اقدام به پرسش از نویسنده می‌کردند.

برای پاسخ به چنین مقاله‌ای، می‌توان همین گونه پرسش‌ها را که ناقد از نویسنده در تبیین اصطلاحات فلسفی و عرفانی پاسخ آن را خواسته است، از خود ایشان خواست. در این صورت، روشن می‌شود که نویسنده با توجه به نظری که در سطح فهم مخاطبان دارد، باید هزاران صفحه از کتب فلسفی در این مجله بیاورد تا خوانندگان محترم به اندکی از اختلافات فراوانی که میان آنان در تعریف و تبیین آنها وجود دارد، دست یابند. اما بنده در این گفتار می‌خواهم خوانندگان گرامی اجمالاً به یک امر روشن در این زمینه‌ها پی ببرند: علم الماهی، علم و آگاهی بشر نسبت به خدای تعالی، حقیقت علم و دانش در نزد فلاسفه و عرفا و مشکل اساسی که پیش روی مباحث آنان است. اینک به چند مطلب در این باره به اجمال اشاره می‌کنم و تفصیل آن را به منابعی ارجاع می‌دهم که در مقاله پیشین ذکر کرده‌ام.

## 1. تقسیم علم به حصولی و حضوری

مرحوم استاد مطهری می‌فرماید:

علم انسان به خودش حضوری است و علم حضوری قابل فراموشی نیست و علم حصولی قابل فراموشی است. یعنی انسان اصلاً جوهر ذاتش علم است، و خودش همان علم خود به خود است.<sup>[2]</sup>

استاد محمد تقی مصباح یزدی می‌گوید:

نخستین تقسیمی را که برای علم می‌توان در نظر گرفت، این است که علم، یا بدون واسطه به ذات معلوم تعلق می‌گیرد یا با وساطت صورت یا مفهوم ذهنی. نوع اول را «علم حضوری» و نوع دوم را «علم حصولی» می‌نامند.... انحصار علم به این دو قسم، عقلی است یعنی تقسیم دائمی بین نفی و اثبات است.<sup>[3]</sup>

استاد فیاضی می‌گوید:

علم حضوری عبارت است از علم به اشیاء بدون واسطه -گری صورت ذهنی، و علم حصولی عبارت است از علم به اشیاء، از طریق و با واسطه -گری صورت ذهنی.<sup>[4]</sup>

ایشان در جای دیگر می‌گویند:

تسیم علم به حصولی و حضوری تقسیمی عقلی است یعنی تفاوتی شناختی -حالی انسان، یا زیر مجموعه علم حصولی -اند و یا زیر مجموعه علم حضوری، و قسم سومی در کار نیست...

تسیم علم به حصولی و حضوری و نیز فلسفه‌های اسلامی است و در فلسفه غرب چنین تقسیمی وجود ندارد، و تنها در پاره‌ای از نوشته‌ها یا کلام سخنانی هست که قابل تطبیق بر علم حضوری می‌باشد.<sup>[5]</sup>

استاد حاجی آملی بر دایره تقسیم علم به حصولی و حضوری می‌نویسد:

خلاصه: «موانع» عنوانی است بر مبنای نظام حقایق و واقعیت‌ها که در عالم این و خارج آن است. زیرا حقیقت علم حقایق از حقایق است.

این مقاله به بررسی و تحلیل عمیق و فلسفی از مبانی و اصول علم حقایق و واقعیت‌ها می‌پردازد. در این مقاله به بررسی و تحلیل عمیق و فلسفی از مبانی و اصول علم حقایق و واقعیت‌ها می‌پردازد.

بر مبنای علم حقایق و واقعیت‌ها.

از مبانی و اصول علم حقایق و واقعیت‌ها.

بر مبنای علم حقایق و واقعیت‌ها.

فلسفه علم حقایق و واقعیت‌ها و مبانی و اصول علم حقایق و واقعیت‌ها.

مقاله علمی است که بر مبنای علم حقایق و واقعیت‌ها و مبانی و اصول علم حقایق و واقعیت‌ها.

خلاصه مقاله.

این مقاله به بررسی و تحلیل عمیق و فلسفی از مبانی و اصول علم حقایق و واقعیت‌ها می‌پردازد. در این مقاله به بررسی و تحلیل عمیق و فلسفی از مبانی و اصول علم حقایق و واقعیت‌ها می‌پردازد.

بر مبنای علم حقایق و واقعیت‌ها.

از مبانی و اصول علم حقایق و واقعیت‌ها.

بر مبنای علم حقایق و واقعیت‌ها.





















---



